

گفت و گو با آقای ایمان معمار درباره دیدگاه نوین جامعه‌شناسی محیط زیست  
مدیریت واگذاری کارها  
واقع بین باشید  
همیشه شاداب و سر حال  
دروغ های بزرگ، دروغ های کوچک  
تحلیل اخبار آب

## منفعت ملی یا ثروت ملی

بنگالادش اولین کشور جهان است که به دنبال سیل ویرانگر سال ۱۹۸۸، استفاده از کیسه‌های پلاستیکی را ممنوع کرد. طبق نظر کارشناسان، بخش بزرگی از خسارات و تلفات این سیل، به دلیل کیسه‌هایی بود که راه فاضلاب‌ها را بسته بودند. در ماه سپتامبر امسال نیز دولت کنیا مجازات واردات و استفاده از کیسه‌های پلاستیکی را برای سومین بار افزایش داد. کسانی که این قانون را رعایت نکنند تا ۳۸ هزار دلار جریمه نقدی و حداکثر به ۴ سال زندان محکوم خواهند شد. فراموش نکنیم، مردم این کشور نسبتاً فقیر هستند و با درآمد سرانه ۸۰۰ دلار در سال، در مقام ۱۴۸ جهان قرار دارند. در واقع مجازات استفاده کردن کیسه پلاستیکی برای اکثر مردم کنیا، مساوی است با یک زندان طولانی مدت زیرا نمی‌توانند جریمه ای به این سنگینی را پرداخت کنند. حال ببینیم چرا دولت کنیا در مورد کیسه پلاستیک تا این حد سختگیر است.

این کشور بیشترین درآمد ارزی خود را از اکو توریسم کسب می‌کند. کنیا دارای چندین پارک حیات وحش وسیع است که بسیاری از گونه‌های جانوران منحصر بفرد که نسل آنها در اغلب کشورهای آفریقای منقرض شده را در خود جا داده. پارک ملی ماسایی کنیا با مساحت ۱۵۱۰ کیلومتر مربع بزرگترین و جذاب ترین و پر بازدید ترین پارک حیات وحش جهان است. بازدید کنندگان این پارک طبیعی که از سرتاسر دنیا به کنیا می‌آیند، شانس زیادی برای مشاهده شیر، کرگدن سیاه، فیل، بوفالو و یوزپلنگ را دارند. البته حیوانات دیگری مانند زرافه، گورخر، شترمرغ، گاو وحشی، انواع آهو و تمساح در این پارک به وفور قابل مشاهده است. این پارک سالیانه ۸۰۰/۰۰۰ توریست را به خود جذب می‌کند. ارزان ترین قیمت تورهای کنیا از سه هزار دلار شروع می‌شود.

دولت کنیا هدف از ممنوعیت مصرف کیسه پلاستیک را دفاع از این ثروت ملی اعلام کرده، زیرا کیسه پلاستیک علاوه بر زشت کردن منظره زیبای طبیعت، باعث مرگ جانوران کمیاب می‌شود. در سراسر دنیا همه روزه تعدادی از چرندگان، پرندگان، ماهی‌ها و لاکپشت‌ها، به دلیل خوردن پلاستیک و عدم هضم و دفع آن، به سرعت و بدون علامت می‌میرند و روز به روز از تعداد حیات وحش دنیا کاسته می‌شود.

هرچند برآورد می‌شود که این قانون لاقلاً ۸۰ هزار فرصت شغلی را از بین ببرد، ولی

مقامات دولت کنیا در دفاع از خود می‌گویند: وظیفه ما محاسبه هزینه و فایده قوانین است و نمی‌توانیم به خاطر متضرر شدن عده‌ای از مردم، سرمایه‌های ملی خود را نابود کنیم. به همین دلیل بسیاری از مردم کنیا نیز از این قانون حمایت کرده‌اند.

توریست‌های هندوستان حتماً دیده‌اند که در مراکز شهرهای هند، دیوارها تا ارتفاع یک متر قرمز رنگ است. راز رنگ آمیزی دیوارها، در برگ‌های قرمزی است که هندی‌ها می‌جویند و بعد آب دهان خود را بر روی دیوار می‌ریزند. با توجه به وسعت و دیدنی‌های شگفت‌انگیز کشور هند، در آمد ارزی این کشور چیزی در حدود ۸ میلیارد دلار در سال است. در جنوب شبه قاره هند جزیره کوچکی به نام سریلانکا وجود دارد که نژاد و فرهنگ مردمش هندی است. مساحت این جزیره حدود ۶۵۰۰۰ کیلومتر مربع است، یعنی یک پنجاهم کشور هند. کشور هند و سریلانکا از فرهنگ و اقلیم مشابهی برخوردار هستند ولی سریلانکا به نسبت مساحت خود، در جلب توریست بسیار موفق تر از هند است. سریلانکا که تا سال ۱۹۴۸ میلادی مستعمره بوده، دیدنی‌های چشمگیری مانند تاج محل ندارد، ولی سالیانه یک میلیارد دلار از صنعت توریسم درآمد بدستی می‌آورد. شاید یکی از دلایل این موفقیت این است که اگر کسی در خیابان‌های سریلانکا آب دهان بریزد ۲۰۰ روپیه سریلانکا (معادل ۱۱۰ دلار آمریکا) و اگر اشغال بریزد ۱۰۰ روپیه جریمه می‌شود، ته سیگار هم شامل جریمه است، به همین دلیل شما کسی را نمی‌بینید که در خیابان سیگار بکشد. موضوع جریمه بقدری جدی است که در تمام ساحل طولانی این جزیره حتی یک آشغال نیز پیدا نمی‌شود.

اداره کردن یک مملکت کار بسیار سخت و رنج آوری است. هر تصمیمی که مدیران اتخاذ می‌کنند مقداری هزینه و مقداری فایده، در بر دارد و در هر صورت عده‌ای از نتایج آن تصمیمات منتفع و عده‌ای متضرر می‌شوند. این تصور تقریباً برای همه جا افتاده که دولت‌ها باید فقط منافع ملی را هدف کارهای خود قرار دهند. متأسفانه منافع ملی یک ارزش قابل تفسیر و غیرقابل ارزیابی است، به همین دلیل معمولاً در حد شعار باقی می‌ماند و بارها کارهایی با شعار حفظ منافع ملی، انجام شده که در نهایت منافع ملی را به خطر انداخته. در نتیجه منافع ملی، معیار تفسیر پذیری است، آنچه که قابل ارزیابی و اندازه‌گیری است، حفظ ثروت ملی است. مثلاً محیط زیست و منابع آبی کشور جزء ثروت‌های ملی محسوب می‌شوند و اگر به خوبی از آنها مراقبت نشود، ثروت ملی و در نتیجه منافع ملی از بین خواهد رفت. ارزان فروختن آب با توجه اینکه قیمت واقعی آب به عده‌ای از اقشار کشور آسیب می‌رساند، نادیده گرفتن اهمیت حفظ ثروت ملی است. این یک حقیقت آشکار است که آب به اندازه کافی در سطح کشور وجود ندارد. روز به روز هم به دلیل تغییرات اقلیمی و افزایش جمعیت و مصرف سرانه از حجم آن کاسته می‌شود. تا زمانی که قیمت آب واقعی نشود نه‌از خانواده‌ها، نه‌از کشاورزان و نه‌از صاحبان صنعت نمی‌توان توقع داشت که مصرف آب خود را کنترل و بهینه کنند. البته واقعی کردن قیمت آب به این معنی نیست که از فردا قیمت تمام شده آب، از مصرف کننده‌ای که سالیان دراز به قیمت‌های بسیار ناچیز عادت کرده، دریافت شود. آیا درآمد هندوانه‌ای که با مصرف آب فراوان و قیمت ناچیز صادر می‌شود به جیب کشاورز آسیب پذیر می‌رود؟ آیا خانواده‌ای که مصرف آبش بسیار بیشتر از الگوی معقول است، جزء اقشار آسیب پذیر محسوب می‌شود؟ آیا بهتر نیست با اعمال قیمت‌های پلکانی این گروه را وادار به کنترل مصرف کنیم. ارزان بودن قیمت آب یعنی از بین بردن ثروت ملی کشور.

## سخنی با اعضای جدید شوراهای شهر و روستا



در شهریور ماه امسال پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا، آغاز به کار کرد. در مواد صد الی صد و شش قانون اساسی وظیفه شوراهای رسیدگی به مسائل اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و رفاهی اهالی شهر و روستا تعیین شده. در این مواد هیچ اشاره مشخصی به محیط زیست نیست، به نظر می‌رسد اگر قانون اساسی را امروز می‌نوشتند، به دلیل بحران‌های متنوع محیط زیست، رسیدگی به مسائل آب شهری و محیط زیست، در سرلوحه وظایف شوراهای تعریف می‌شد.

به اعضای محترم شوراهای شهر و روستا، از همین آغاز پیشنهاد می‌شود با مسئله آب خیلی جدی برخورد کنند، چون ممکن است در طول دوره چهارساله خود، در دسرهای زیادی از بابت مشکلات آب برایشان ایجاد شود. مسلماً برای پیدا کردن راهکار، اعضای باید از مشاورین متخصص و با تجربه استفاده کنند، البته بهتر است ابتدا با نکات کلیدی و اولویت‌های آب آشنا شوند، تا راه خطا نزنند و وقت و پول مردم را تلف نکنند. این مقاله با پشتوانه ده سال انتشار منظم این نشریه

محیط زیستی و بیش از صد مصاحبه با کارشناسان بی طرف آب و محیط زیست، نوشته شده. در این مقاله سعی شده فقط مسائل مربوط به آب، به شکلی واقع بینانه و در حدود مسئولیت شوراهای مطرح شود، تا امکان استفاده عملی از نکات آن برای اعضای شوراهای وجود داشته باشد.

۱- به آمارها زیاد اعتماد نکنید: آمار مهم ترین ابزار برنامه ریزی و کنترل شرایط است. متأسفانه آمار آب کشور بسیار مبهم و گاهی متضاد است. چند مثال شاید موضوع را روشن کند. الف: مدیرکل آب منطقه‌ای استان تهران اعلام می‌کند ۵۸ درصد از آب

استان تهران از منابع زیرزمینی تامین می‌شود. معاون نظارت بر بهره برداری شرکت آب و فاضلاب تهران این رقم را ۴۴ درصد می‌داند. مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای تهران می‌گوید ۷۵ درصد آب شرب از سدها و ۲۵ درصد از طریق چاه‌ها تامین می‌شود. ب: شرکت آب و فاضلاب استان تهران متوسط سرانه مصرف آب را ۲۹۸ لیتر در شبانه روز می‌داند. قائم مقام شرکت آب و فاضلاب استان تهران سرانه مصرف آب را ۲۲۰ لیتر اعلام می‌کند. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب تهران می‌گوید مصرف آب تاکنون چندین بار رکورد سرانه ۴۰۰ لیتر را شکسته. ج: طبق آمارهای رسمی، مصرف آب شهری ۶ درصد کل منابع آب کشور اعلام می‌شود. در حال حاضر بیش از ۳۰ درصد از آب ۵ سد اطراف تهران، برای آب شهری مصرف می‌شود. هم‌زمان مقدار زیادی هم از آب‌های زیر زمینی برداشت می‌گردد. کارشناسان رقم واقعی کل کشور ۱۶ درصد می‌دانند که اگر سایر مصارف شهری مانند آبیاری فضای سبز را به آن اضافه کنیم، دستکم به ۲۰ درصد کل منابع آب کشور خواهد رسید. در محدوده شهرهای بزرگ این رقم از ۴۰ درصد هم می‌گذرد که اختلاف فاحشی با رقم ۶ درصد دارد. وقتی میزان مصرف آب شهری ناچیز اعلام می‌شود، به اعضای محترم شورا القاء می‌شود که آب شهری نقش مهمی در بحران آب ندارد و کشاورزی بزرگترین هدر دهنده آب کشور است. در نتیجه شوراهای انگیزه خود را برای دخالت در مسئله آب از دست می‌دهند.

۲- آب انواع مختلف دارد: در نگاه مردم و حتی مسئولان، آب فقط یک نوع است که در مکان‌های مختلف از آن استفاده می‌شود، مانند آب شرب، آب خانگی، آب کشاورزی و آب صنعتی. این نگرش غلط است چون آب انواع مختلف و ارزش‌های متفاوتی دارد. آبی که به مصرف شرب می‌رسد باید از کیفیت بالایی برخوردار باشد و طبق استاندارد فقط از طریق چشمه‌ها، آب جاری رودخانه‌ها و ذخایر پشت سدها تامین شود. در شرایط ایده آل حتی آب چاه و قنات نیز مناسب شرب نیست، زیرا در اثر مجاورت با خاک و معادن و چاه‌های فاضلاب، ممکن است به املاحی مانند نمک و آهن و سمومی مانند نیترات و آرسنیک آلوده شوند. البته آب‌های زیر زمینی اگر عاری از آلودگی و میکروب باشند، برای مصارف خانگی مانند استحمام و لباس شویی و توالت، مناسب هستند، در حالی که آب کشاورزی و صنعتی احتیاج به تصفیه و رسوب گیری ندارد و می‌توان آب قنات و چاه‌ها را مستقیماً برای اینگونه مصارف استفاده کرد. آبی که بازیافت می‌شود فقط برای صنعت، کشاورزی و آبیاری درختان مناسب است.

شما اعضای محترم شوراهای بزرگان ترین و نایاب ترین آب یعنی آب شرب و آب بهداشتی سر و کار دارید. آب شرب کمیاب است و در مقام تشبیه نسبت به سایر آب‌ها، مانند عسل است در مقابل دوغ، هردو مفید و با ارزش هستند ولی قیمت عسل خیلی بیشتر از دوغ است و غلط ترین کار قاطی کردن این دو است. تامین آب گرانبه‌ای شرب کار آسانی نیست و موثر ترین و شاید تنها راه تامین کمبود آب شهری، کاستن از مصرف بی‌رویه و صرفه جویی است، اینکار از وظایف مستمر شوراهای به عنوان نماینده مردم است. ۳- قیمت گذاری آب غلط است: اگر بخواهید مصرف آب را بهینه کنید، ابتدا باید قیمت آن را واقعی نمایید. قیمت آب در سید خانوار در ته جدول قرار دارد و مردم هیچ پروایی از مصرف بی‌رویه آب ندارند. از طرفی خرید وسایل کاهنده مصرف نیز با این قیمت آب، برای هیچکس توجیه اقتصادی ندارد. اگر قرار شد قیمت آب به سمت واقعی شدن حرکت کند و هم موثر باشد و هم مناقشات اجتماعی در پی نداشته باشد، باید از سازمان

آب بخواهید قیمت‌ها را به صورت پلکانی اضافه کنند و برای هر مصرف کننده، قبض جداگانه صادر نمایند. ممکن است کسانی با مطرح کردن انواع مشکلات فنی و اجرایی، صورت قبض جداگانه را غیر ممکن جلوه دهند. باید بدانید ابزار نوینی برای اندازه‌گیری جداگانه مصرف آب بدون نیاز به تغییرات در ساختمان‌ها ساخته شده است.

۴- توزیع آب غلط است: طبق آمارهای موجود، ۳۰ درصد از آب شهری، آب به حساب نیامده است. یعنی تمام آبی که برایش قبض صادر می‌شود، ۳۰ درصد کمتر از آبی است که وارد شبکه می‌شود. چه اتفاقی برای چنین حجم بزرگی از آب شرب تصفیه شده می‌افتد؟ مقداری از این آب به دلیل فرسوده بودن خطوط انتقال آب

هدر می‌رود، بخشی به صورت غیر مجاز برداشت می‌شود و بخش دیگر به صورت رایگان در اختیار بعضی از مصرف کنندگان قرار می‌گیرد. در قدم اول شبکه باید به سرعت ترمیم و نوسازی شود. در یک ظرف زمانی مشخص، برداشت‌های غیر مجاز باید کاملاً حذف شود و اگر قرار است به کسی به هر دلیل آب مجانی داده شود، قبض آن باید صادر و هزینه آن توسط شورای شهر پرداخت شود، تا هزینه‌ها و سقف برداشت، قابل کنترل و مدیریت باشد. البته یکی از بهترین روش‌های توزیع آب، شیوه‌ای است که در بسیاری از شهرهای جهان انجام می‌شود، یعنی آب لوله کشی فقط مختص آب بهداشتی است و آب شرب از بازار خریداری می‌شود. اگر هر چه زودتر این روش را طبق یک برنامه ریزی فکر شده انجام ندهید، زمانی که قطع و جیره بندی آب اجتناب ناپذیر شد، هر بار پس از وصل آب، به دلیل شکستگی لوله‌های شبکه، آب کدر و غیر قابل شرب خواهد شد. در نتیجه همین روش به صورت فورس مازور خود را به مردم تحمیل خواهد کرد.

۵- شهرداری‌ها زیاد آب مصرف می‌کنند: داشتن گل و گیاه و سبزه، به طراوت شهرها اضافه می‌کند ولی هرکاری یک ارزشی دارد. امروزه در بعضی از شهرها مانند لس آنجلس به جای چمن کاری، باغچه‌ها را رنگ سبزی می‌زنند و «پلیس آب» در سطح شهر گشت می‌زند و مصرف بی‌رویه آب شهروندان و شهرداری‌ها را کنترل می‌کند و جریمه‌های سنگینی برای تلف کردن آب در نظر گرفته شده که بدون اغماض، از مردم و شهرداری‌ها اخذ می‌شود. شهرداری‌ها باید با یک برنامه کارشناسی شده و مدت دار رابطه خود را با آب‌های زیر زمینی و لوله کشی بکلی قطع کنند و تنها از روش‌هایی مانند بازیافت، جمع‌آوری آب باران، استفاده از گیاهان کم آب و محدود کردن سطح فضای سبز پیروی کنند.

حجم کار در شوراهای زیاد است. هیچ شورائی در پایان دورانش، تمام کارهایش را به پایان نرساند، چون کار شهرها و روستاها تمام شدنی نیست. آنچه اهمیت دارد پایه گذاری روش‌های اصولی و علمی است. متأسفانه وقتی کار به ضرب العجل و حرکات ضد بحران کشیده می‌شود، معمولاً بدترین و غیر کارشناسانه ترین شیوه‌ها انتخاب می‌شود. پس بهتر است تا مشکل آب شهرها و روستاها به مرحله حاد نرسیده برای آن برنامه ریزی کنید. به امید موفقیت.

### شهر یاریدیعی

در هر دقیقه دوش گرفتن ۵ لیتر آب مصرف می‌شود.

تمرین کنید سریع تر دوش بگیرید



راهکارهای ساده برای صرفه جویی در مصرف آب

## گفت‌وگو با آقای ایمان معمار درباره دیدگاه نوین جامعه‌شناسی محیط زیست

اجتماعی «برساخت» می‌شوند. به عنوان مثال ممکن است اهمیت بحران طلاق در دوره ای بسیار پررنگ شود و همه تریبون های رسمی درباره آن صحبت کنند، در حالیکه در همان مقطع بحران های دیگری مثل بیکاری و بزهکاری در اجتماع وجود دارد که ممکن است بسیار مهم تر باشند. برساخت گرایان می‌گویند چون به دلایل مختلف کانون های قدرت مایل به افزایش نرخ زاد و ولد هستند، به همین دلیل بحران طلاق را بر می‌کشند تا از زاد و ولد کاسته نشود. حتی بعضی از افراد افراطی معتقدند بحران ها اساسا وجود عینی ندارند و فقط برساخت می‌شوند. مانند رئیس جمهور آمریکا که معتقد است گرم شدن جهان برساخت چین است چون مخالف رشد اقتصادی آمریکا است. البته حالت های متعادل تری هم وجود دارد که معتقد است بحران وجود دارد، اما دلیل اینکه بحران محیط زیست در اولویت اول سیاسی و اجتماعی قرار گرفته، ناشی از علل اجتماعی است. اولین دلایل مطرح شدن بحران آب، پدیده ای با عنوان «تجمع نخبگان آب» نام دارد. در موضوع آب، کشور ما دچار تجمع نخبگان شده است. هم اکنون تجمع فارغ التحصیلان و اساتید موفق و مشروع و مشهور حوزه آب از سایر حوزه ها قوی تر است. شما اگر در مورد فرسایش خاک یا آلودگی هوا از مردم

یا حتی اهالی محیط زیستی بپرسید که چند متخصص مشهور در این حوزه می‌شناسید، ممکن است خیلی ها جواب مشخصی نداشته باشند. اما کافی است در مورد نخبگان محیط زیست در بخش آب سوال کنید. بلافاصله چندین نام آشنا مطرح خواهد شد، آنها هم افرادی که در حوزه های علمی مرجع هستند و می‌تواند سخنشان درباره مشکلات آب، نزد مردم و سیاستمداران به واقعیت علمی تبدیل شود و اعتبار و مشروعیت پیدا کند. مسئله مرتبط با همین موضوع خصلت قدرت زا بودن بحران هاست، که می‌توانند عده ای را از قدرت دور و به عده دیگری قدرت دهد. مثلا اگر جامعه ای دچار بحران بیماری شود، نخبگان پزشکی قدرت می‌یابند. حالا سوال من این است، اگر جامعه ای دچار بحران آب شود چه کسانی قدرت خواهند گرفت؟ جواب روشن است آنها که دانش مدیریت بحران آب را دارند و از قضا تعدادشان هم بسیار زیاد است. بحث بین دانش و قدرت البته بحث مفصلی است و من به هیچ وجه قصد زیرسوال بردن زحمات یا دلسوزی های صادقانه نخبگان و فعالین حوزه آب را ندارم. اما خواهی نخواهی یکی از پیامد های ناخواسته و کارکرد پنهان بحران آب، قدرت گرفتن متخصصان این حوزه است. این قدرت حالا یا ممکن است مادی باشد یا معنوی، یعنی ممکن است متخصصان این حوزه پست ها و مقامات مهم کسب کنند یا ناگهان مخاطبان زیاد و قدرت اثرگذاری بالا به دست بیاورند. یکی دیگر از دلایل برساخته شدن بحران آب گروه های ناراضی هستند. سال ها است که دولت ها برای بدست آوردن

رسید، اوضاع پیچیده تر شد. مثلا اگر قرار بود آب یک منطقه دیگری انتقال پیدا کند، استان مبداء و استان مقصد، چون منافع کاملا متضادی با یکدیگر داشتند، هر کدام سعی کردند لابی های خود را تشکیل دهند. معمولا هم استان مقصد که منافعی در انتقال آب بود، با وزارت نیرو متحد می‌شد و استان مبداء که انتقال آب به ضررش بود، به سازمان محیط زیست پناه می‌برد. این تشکل ها کاملا کوتاه مدت بودند و بلافاصله پس از شروع پروژه، از هم می‌پاشیدند و از دل آن هر گز یک راهکار استراتژیک بیرون نیامد. اگر دقت کنید تقسیم کار و تخصص وجود داشت، ولی جای خالی مدیریت کل نگر احساس می‌شد.

### چه شد که کشور وارد بحران های زیست محیطی شد؟

در مقوله محیط زیست معمولا مشکلات به هم پیوسته هستند و مانند مهره های دومینو هر مشکل، مشکل بعدی را به حرکت در می‌آورد. علوم مختلف هم پاسخ های متفاوتی به این پرسش می‌دهند. جواب ها همیشه بستگی به این دارد که شما متخصص چه دانشی هستید یا چه تجربه زیستی را از سر گذرانده اید. به عنوان مثال اگر بخواهیم در مورد بحران آب صحبت کنیم، چندین رویکرد را می‌توانیم



مشروعیت، از آب استفاده می‌کنند و سعی کرده اند در جهت رفاه مردم با هر فشار و آسیبی که شده، آب مورد نیاز مردم را تامین کنند و از آب اشتغال ایجاد نمایند. حالا که خللی در عرضه آب به وجود آمده، گروه های ناراضی در جهت معکوس این روند سعی می‌کنند از آب برای مشروعیت زدایی از دولت ها استفاده کنند. به این شکل تجمع اپوزسیون در حوزه آب به وجود آمده، می‌بینید ناگهان کسانی که تاکنون هیچ رویکرد محیط زیستی و دغدغه آب نداشته اند، به مسئله آب روی آورده اند و سعی می‌کنند در جهت اهداف خود، مشکل آب را بیشتر از اندازه واقعی جلوه دهند. منظور من این نیست که بگویم مسئله آب بحرانی است یا خیر، مسئله بر سر اولویت بندی است که چگونه یک موضوع تبدیل به اولویت اول می‌شود و موضوعات دیگر در مرکز توجه قرار نمی‌گیرند.

### بالاخره بنظر شما مسئله آب بحرانی هست یا نیست؟

اثبات بحرانی بودن مسئله آب در حیطه صلاحیت دانشجوی جامعه شناسی نیست و مسلما افراد دیگری هستند که خیلی بهتر از من می‌توانند اظهار نظر کنند. البته اگر به عنوان یک فعال محیط زیست بخواهم در این مورد اظهار نظر کنم می‌گویم بخشی از بحران آب ریشه در واقعیت دارد و عینی است و قسمتی هم ریشه در برساخت دارد و اجتماعی است. امروز مسئله فرسایش خاک در کشور بسیار جدی است. شما در نظر بگیرید در بدترین سناریوها، بحران آب را می‌توان در عرض بیست یا سی سال مدیریت کرد، اما برای ساخت هر سانتیمتر خاک، هزاران سال زمان لازم است. حالا واقعا کسی می‌تواند بگوید در کشوری که روردار فرسایش خاک در جهان است، بحران فرسایش خاک و بیابان زایی بیشتر در اولویت است یا بحران آب؟ به نظر من اولویت جلوه دادن آب به عنوان مهم ترین بحران، صرفا بخاطر مشکلات عینی آب نیست، بلکه عوامل اجتماعی و سیاسی نیز در پشت این قضیه وجود دارند. هم اکنون وضعیت های بحرانی دیگری هم در کشور وجود دارد، مانند جنگل، خاک، زباله و آلودگی هوا، که به دلایل مختلف غیر بحرانی تر از آب پنداشته می‌شوند.

**آیا این نوع پراکندگی دیدگاه، باعث کم توجهی به بحران آب نخواهد شد؟**  
رویکرد برساخت گرایی در یک حوزه، انکار مشکلات آن حوزه نیست. به عنوان مثال اگر یک بیماری مسری در جامعه شایع شود و درمان های مختلفی از جانب طب سنتی، طب اسلامی، طب مدرن و یا حتی خرافات مطرح شود، یک جامعه شناس از دیدگاه برساخت گرایی، صحت هیچکدام از آنها را تایید یا رد نمی‌کند، بلکه فقط بررسی می‌کند که مثلا طب مدرن چگونه خود را به عنوان تنها گفتمان مشروع درمان آن بیماری مطرح کرده. دیگر اینکه آن بیماری تا حدی که گفته می‌شود بحرانی هست یا اینکه منافع گروهی از ذی نفعان، در بحرانی جلوه دادن آن بیماری تاثیر دارد. برای یک جامعه شناس، حتی علمی یا غیرعلمی بودن گفتمان ها ارزش مثبت یا منفی اضافی ایجاد نمی‌کند. وظیفه جامعه شناس، شناخت واقع بینانه عوامل مسلط شدن یک رویکرد یا گفتمان است. زیرا تبیین این واقعیت می‌تواند به بخشی از حل مشکلات در آن حوزه کمک کند.

از اینکه وقت خود را در اختیار ماهنامه KWC قرار دادید متشکریم.

آقای ایمان معمار، فارغ التحصیل مهندسی عمران از دانشگاه آزاد شاهرود، هم اکنون به عنوان مهندس ناظر نظام مهندسی فعالیت می‌کنند. هم‌زمان نیز در رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد مشغول تحصیل هستند. ایشان مدتی است در فضای مجازی فعالیت دارند و برای نشریات مختلف مانند جامعه پویا و روزنامه بهار، در جهت بررسی محیط زیست از دیدگاه پیوند آن با سیاست، جامعه‌شناسی، اقتصاد و علوم انسانی مقاله می‌نویسند. ایشان حدود ۲ سال است که در کانال تلگرامی «ساحت زیست» به ارایه دیدگاه های خود می‌پردازند.

در این ماه با آقای معمار درباره نگاه جامعه شناسانه به مشکلات محیط زیست صحبت می‌کنیم. لطفاً توجه فرمائید.

### چه شد که ذهن شما درگیر مسائل محیط زیست شد؟

معمولاً در فرآیند انتخاب، تعدادی مسائل عمومی وجود دارد و مواردی هم برای هر کس منحصر به فرد است. از دیدگاه مسائل عمومی، من احساس کردم که سرعت بحرانی شدن شرایط محیط زیست از سرعت بحرانی شدن سایر حوزه ها پیشی گرفته و مرتباً با بحران های دیگر نیز ترکیب می‌شود، مانند سیلابی که وقتی راه می‌افتد مقداری سنگ و خاک و درخت را جابجا می‌کند و قدرت تخریب آن خیلی فراتر از فشار آب می‌شود. مسئله فردی من هم این است که دیدم گروه ها و انجمن های فعال محیط زیستی، عموماً رویکرد جزئی نگر دارند و خیلی تخصصی و فنی به مسائل محیط زیست نگاه می‌کنند و در بیشتر اوقات نمی‌توانند ارتباط لازم بین مشکلات محیط زیست و عواملی که باعث به وجود آمدن این مشکلات شده را بررسی و مطرح کنند. همچنین خلاء یک نگاه محیط زیستی که دیدگاه های نظری، انتزاعی و کلان به محیط زیست داشته باشد، به شدت احساس می‌شد.

### ولی تخصص شما مهندسی عمران است و ربط زیادی به محیط زیست ندارد؟

ظاهراً کار ما یا افراط است یا تفریط. یک زمان اکثر افراد بدون داشتن تخصص در امور پیچیده کشور نه تنها فعالیت بلکه مدیریت می‌کردند. حالا این روزها هر کس که بخواهد در زمینه ای فعالیت کند، می‌پرسند در آن زمینه تخصص، مدرک و سابقه دارد یا نه. مثلاً در همین دولت جدید وقتی قرار شد مدیری برای محیط زیست انتخاب شود، عده ای از فعالان و دلسوزان محیط زیست، فردی که نظریه پرداز بسیار خوبی در مسائل محیط زیست است و مدرک دکتری جامعه شناسی دارد را به عنوان کاندیدا مطرح کردند، بلافاصله صداهای مخالفی برخاست که ایشان مناسب نیستند چون تخصص محیط زیست ندارند. به نظر من نمی‌شود بین دو مقوله محیط زیست و جامعه شناسی تفکیکی قائل شد، این دو کاملاً به هم مرتبط هستند، چون هر بلایی بر سر

محیط زیست می‌آید توسط جامعه است و اگر قرار باشد کار مثبتی برای محیط زیست انجام شود ابتدا باید جامعه را آگاه و قانع کرد، همه اینکارها در حیطه تخصص یک جامعه شناس است. به نظر من برای ترمیم مشکلات محیط زیست باید کارها را در لایه بندی های مختلف انجام داد که آخرین لایه آن فیزیک و فن است که نیازمند دانش اکولوژیکی به معنای کلاسیک آن می‌باشد. در حالی که در بسیاری از مواقع ریشه مشکلات محیط زیستی بسیار انتزاعی است و حتی به باورهای مذهبی مردم نیز مربوط می‌شود. آقای «لین وایت» که دین پژوه معروف است، معتقد است که در آئین های جادویی و ادیان قدیم، انسان و طبیعت در یک رده هستند و همیشه انسان بخشی از طبیعت بوده. اما با آمدن ادیان ابراهیمی موضوع اشرف مخلوقات مطرح شد. براساس این عقیده انسان خودش را برتر و مستثنی از طبیعت احساس کرد و به خودش اجازه هرگونه دخل و تصرف در طبیعت را داد. ما حتی اگر نظریه لین وایت را قبول نداشته باشیم، آیا می‌توانیم بگوئیم او به عنوان یک اسطوره شناس تاریخی، از محیط زیست سر در نمی‌آورد و هیچ ربطی به محیط زیست ندارد؟ آقای «شناپبرگ» یک اقتصاد دان معروف آلمانی است که در مبحث محیط زیست کار کرده و با استناد به نظریه معروف «چرخه مستمر تولید» به موضوع محیط زیست پرداخته. آیا می‌توان گفت چون ایشان اقتصاد سیاسی خوانده و هیچگونه تحصیلات مرتبط با محیط زیست ندارد، نمی‌تواند درباره محیط زیست اظهار نظر کند؟ من فکر می‌کنم جواب این سوال ها منفی است. هر کسی که بتواند بین لایه های متنوع مسائل محیط زیستی یک ارتباط عمودی برقرار کند، می‌تواند یک متخصص محیط زیست شناخته شود.

### پس تکلیف تقسیم کار چه می‌شود؟

اجازه بدهید منظورم را با یک مثال بیان کنم. فرض کنیم وزارت نیرو می‌خواهد روی یک پروژه آب که کشور کار کند. طبیعی است این سازمان در مرحله تصمیم گیری باید ستادی تشکیل دهد و تخصص های لازم را دور هم جمع کند تا برنامه جامعی تدوین کند. در این مرحله از کار، ستاد می‌تواند تحت مدیریت یک جامعه شناس تشکیل شود و آن جامعه شناس پلی باشد بین همه تخصص ها. اصولاً علم محیط زیست، علمی کل نگر است و همه چیز را در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌کند. مسائل محیط زیستی را نمی‌شود خرد کرد و به بررسی تکه پاره های آن پرداخت. متأسفانه در سال های اخیر به دلیل دیدگاه های تخصص گرا، بسیاری از تصمیم گیری ها در مورد سدسازی و پروژه های انتقال آب به صورت جزیره ای اتفاق افتاده و حتی امکان همکاری بین ارگان ها هم وجود نداشته، مثلاً وظایف و اهداف وزارت نیرو، متضاد شرح وظایف سازمان محیط زیست بوده، یکی می‌خواسته محیط زیست را خراب کند تا پروژه هایش را به ثمر برساند دیگری می‌خواسته به هر شکل شده، از محیط زیست محافظت کند. وقتی در موضوع واحدی، دو ارگان با دیدگاه ها و اهداف متفاوت وارد می‌شوند، خواست ها متضاد می‌شوند و به ناچار هر یک عمل دیگری را خنثی می‌نمایند. در تمام سال های گذشته این دو ارگان بارها با هم دچار اختلاف های اساسی شدند و هرگز با یک طرح استراتژیک کلان نگر، با هم تبادل نظر جدی نکردند. هر زمان هم که کار قضاوت این اختلاف نظر ها به سازمان های سیاسی کشور

تبیین کنیم که هر کدام قطعات مختلف پازل مسئله آب را نمایندگی می‌کنند. ما می‌دانیم ایران همواره کشور خشکی بوده و هیچگاه از وفور آب برخوردار نبوده، از لحاظ معرفت شناسی سوال می‌شود که چرا به مجرد اینکه وارد عصر مدرنیته شدیم بحران آب به وجود آمد؟ معرفت شناسی، عقلانیت ابزاری را عامل این اتفاق می‌داند. «مکس وبر» جامعه شناس قرن نوزدهم معتقد است عقلانیت جامع نیست و باید آن را به گروه های مختلف دسته بندی کرد، مانند عقلانیت ابزاری، عقلانیت عاطفی، عقلانیت اخلاقی و مانند اینها. در عصر مدرنیته ما درگیر عقلانیت ابزاری شدیم. عقلانیت ابزاری به ما حکم می‌کند که بالاترین بازده اقتصادی را بدست آوریم. در این عقلانیت، بدون اینکه بخواهیم به پیامدها توجه کنیم، حاضریم همه درختان را قطع کنیم، چون بالاترین بازده اقتصادی چوب را بدست خواهیم آورد. همین عقلانیت در قرن ۱۸ و ۱۹ در اروپا اتفاق افتاد و در سال های اخیر نیز در ایران تکرار شد، در نتیجه معرفت شناسی ما، تبدیل به معرفت شناسی مدرنیته شد و عقلانیت ما منطبق شد بر بیشترین سود و بیشترین بازده بدون توجه به پیامدها. حالا ممکن است یکی بخواهد از طریق علم جمعیت شناسی به مسئله آب ورود کند. در دوره کوتاهی جمعیت شهرنشین ما به سرعت از ترکیب ۲۰ به ۸۰ معکوس شد و به ۷۵ به ۲۵ رسید. تعداد جمعیت هم در یک دوره کوتاه دو برابر شد. مدرنیته کشاورزان را ترغیب کرد که به جای قنات چاه بزنند و به راحتی با پمپ آب بکشند. همین مدرنیته شهرنشین ها را تشویق کرد تا به اندازه چندین برابر پدرانشان آب مصرف کنند. رویکرد دیگری که ممکن است مطرح شود رویکرد اقتصادی و عقلانیت سرمایه داری است. این عقلانیت می‌گوید: چیزی توجیه اقتصادی بهتری دارد که مصرفش بیشتر باشد، در نتیجه بازدهی اقتصادی آن بیشتر می‌شود. با این دیدگاه، عقلانیت سرمایه دارانه هرگاه دچار کمبود چیزی شود به جای اینکه الگوی مصرف را اصلاح کند، کوشش می‌کند تا منابع جدید تامین نماید. مثلاً اگر در یک منطقه ای با کمبود آب مواجه شویم به جای اینکه الگوی مصرف اصلاح شود، سعی می‌کنیم از سایر مناطق آب را انتقال دهیم. در نتیجه روز به روز مصارف آب زیادتر می‌شود، در حالی که منابع آب افزایش پیدا نمی‌کند. طبیعتاً سود کسانی که تجهیزات مورد نیاز آب را می‌سازند و آب را توزیع می‌کنند، در مصرف بیشتر آب است، حتی اگر دولت برای نرخ آب سوبسید بدهد. دقیقاً مانند سود سازندگان و وارد کنندگان خودرو که سودشان در مصرف بیشتر خودرو است، هر چند منجر به آلودگی هوای شهرها شود. البته من به عنوان یک جامعه شناس ترجیح می‌دادم به جای اینکه بپرسید «چرا وضعیت محیط زیست و منابع آبی بحرانی شد» سوال کنید «چرا امروز بحران محیط زیست یا به صورت مشخص، موضوع آب، اولویت اول گفتمان عمومی و سیاسی جامعه شده و بالاتر از سایر بحران ها قرار گرفته است؟»

### به راستی چرا بحران آب در اولویت قرار گرفته؟

در جامعه شناسی محیط زیست دو رویکرد عمده در پاسخ به این سوال وجود دارد، رویکرد اول مربوط به واقع گرایان است که می‌گویند ما با بحران محیط زیست مواجه هستیم و باید برای آن راه حل هائی پیدا کنیم. رویکرد دومی هم وجود دارد که معتقد است اهمیت و اولویت مسائل اجتماعی توسط عوامل مختلف

### واگذاری با کنار کشیدن فرق می کند

تصور نکنید با ارجاع دادن یک مسئولیت به دیگری، به طور کامل از دست آن مسئولیت خلاص می شوید. برای یک واگذاری درست، باید فرصت مناسبی برای توضیح و تشریح و تمرین مسئولیت و همچنین پیگیری و نظارت های اولیه در نظر بگیرید، زیرا کسی که کاری را به او واگذار می کنید، در یک پروسه طبیعی و در طول زمان می تواند خود را آماده کند و به تدریج مسئولیت را تحویل بگیرد. اگر بخواهید با عجله این پروسه را طی کنید، کارها از مسیر اصلی منحرف شده و به سرعت به این نتیجه خواهید رسید که بهتر است مسئولیت را واگذار نکنید. مدیر باید ابتدا فرد مناسبی را انتخاب کند سپس با توضیح کامل و تفهیم مسئولیت، کارمند را با موضوعی که قرار است با آن روبرو شود، آشنا نماید. فراموش نکنید همیشه به یک زمان بندی صحیح برای پیگیری کارها و بدست آوردن خروجی مورد نظرتان نیاز دارید.

### واگذاری مسئولیت باید سنجیده باشد

تصور کنید قرار است یک فرد شایسته را انتخاب کنید تا مسئولیت یک کار را به او بسپارید. اگر تا پیش از این کسی مسئولیت خاص و مهمی را در موسسه شما نداشته، چگونه می توانید شایستگی افراد را مورد سنجش قرار دهید؟ کار را با واگذاری مسئولیت های کوچک و دادن آزادی های مشروط به افراد شروع کنید. اجازه دهید آنها لیاقت و توانایی هایشان را به شما نشان دهند، با این شیوه پیدا کردن کسانی که بتوانند مسئولیت های بزرگ را بعهده بگیرند، کار مشکلی نخواهد بود. اجازه دهید افراد خودشان را برای مسئولیت پذیری در کارهای بزرگتر آماده کنند.

### به فکر سلامتی خودتان باشید

انجام دادن همه کارها به تنهایی، دامی است که مدیران برای خودشان پهن می کنند. اینگونه مدیران تصور می کنند اگر تک روی کنند، کنترل همه امور را در دست خواهند داشت و هر لحظه می توانند مدیریت خود را اعمال کنند. در حالی که با این روش، زمان و انرژی زیادی را صرف امور کوچک و پیش پا افتاده خواهند نمود و کار به جایی خواهد رسید که حتی در جلسات مهم کاری و زمان های استراحت و در زمان ارتباط برقرار کردن با خانواده و امور شخصی، باید مرتباً به مسائل کاری فکر کنند. در نتیجه استرس و نگرانی مداومی به خود وارد می کنند و سلامت خود را به خطر خواهد انداخت.

فرمول موفقیت این است:

اتفاق (Event) + مسئولیت (Response) = نتیجه (Outcome)

اگر از نتیجه زندگی خود راضی نیستید ۲ راه حل وجود دارد:

- می توانید مسئولیت خود را نادیده بگیرید و تمام اتفاق هایی که باعث این نتیجه شده را بهانه قرار دهید!
- می توانید واقع بین باشید و مسئولیت خود را در مورد اتفاق ها قبول کنید و آنها را تغییر بدهید تا نتیجه مورد نظر خود را بدست آورید. شما می توانید با تغییر افکار و نوع ارتباطات، باوری که از دنیا و خودتان در سر دارید تغییر دهید و به نتیجه مورد علاقه



نزدیک شوید. بهتر است اعتقاد پیدا کنید که اکثر زندگی شما بازتابی از مجموعه شرایطی است که در کنترل شما قرار دارد. به این مثال توجه کنید.

اتفاق: ۴۰۰ دلار به عنوان پاداش به من داده اند. مسئولیت: ۴۰۰ دلار را در یک شب خرج کرده ام. نتیجه: هیچ پولی ندارم.

اتفاق: ۴۰۰ دلار به عنوان پاداش گرفته ام. مسئولیت: ۴۰۰ دلار را در کاری سرمایه گذاری کرده ام. نتیجه: من ارزش پاداش خود را افزایش داده ام. حالا اگر این پول را سر میز قمار باخته باشم، غلط ترین کار این است که دنبال تقصیر در قمارخانه یا ورق های بازی و یا در شناس خود بگردم و صحیح ترین کار ارزیابی تقصیرات خودم است.

سه چیز را در زندگی می توان کنترل کرد. آنچه که به آن فکر می کنید، تصویری که در ذهن دارید و اعمالی که انجام می دهید. هر آنچه که شما از این سه چیز بدست می آورید، تجربه شما نام دارد. اگر از آنچه که تجربه کرده اید راضی نیستید کنترل شما بر روی این

اگر به اهداف کوچک فکر می کنید، چندان سخت به نظر نمی رسد که مسائل مختلف را خودتان به تنهایی مدیریت کنید. ولی اگر به اهداف بزرگ می اندیشید، باید قبول کنید چاره ای نیست جز اینکه کارها را به دیگران واگذار کنید. اگر موسسه شما به مرحله رشد رسیده، به زودی احساس خواهید کرد که به کمک و مشاوره دیگران احتیاج دارید و زمان هائی خواهد رسید که نیاز به صحبت کردن با چند کارشناس و متخصص را به شدت احساس کنید. شما به کسانی احتیاج پیدا می کنید که هر کدام کمی از مشکلات را بدوش بکشند و راه حل های جدید به شما ارائه دهند. همیشه احساس خواهید کرد که به کمی وقت و انرژی نیاز دارید تا به کارهای مهم تر برسید. احساس خواهید کرد برای امور شخصی خود هیچ زمانی در اختیار ندارید. پس بهتر است قبل از اینکه در تنگنا قرار گیرید، هنر واگذاری کارها به دیگران را یاد بگیرید.

وظیفه یک مدیر، گسترش کسب و کار و رساندن موسسه به سطح بالاتر اقتصادی است. این هدف، بدون واگذار کردن مسئولیت ها به سایر همکاران امکان پذیر نیست. هیچ مدیری نباید آنقدر درگیر مسائل جزئی بشود که از فکر کردن و ایده پردازی در مورد مسائل مهم و جدید غافل بماند و نباید کار را به جایی برساند که در زمان هائی که باید به یک تصمیم گیری مهم فکر کند، مسائل کوچک ذهن او را منحرف کنند. یک مدیر وظیفه دارد که کارمندان خود را به گونه ای رشد دهد که هر کدام بتوانند در مواقع لزوم، به کمک او بیایند و بار قسمتی از وظایف را بدوش بکشند. با این شیوه مدیریت، کارمندان با دریافت مسئولیت های جدید و نشان دادن استعدادهای خود، بیشتر احساس مفید بودن خواهند کرد. بنابراین، واگذاری کارها به دیگران هم به نفع شما است و هم به نفع دیگران و در نهایت به نفع موسسه شما است.

### واگذاری کار به دیگران یک هنر است

دل کندن از یک سری مسائل جزئی و کوچک، در جهت رسیدگی به کارهای بزرگتر، برای یک مدیر هنر محسوب می شود. مدیر اگر این هنر و توانایی را نداشته باشد که کارها را به شیوه ای درست و در زمان مناسب به دیگران واگذار کند، ممکن است ناگهان با چالش هائی مانند مشکلات خانوادگی، بیماری یا چالش های حقوقی، مواجه شود و در شرایط اضطراری مجبور شود ظرف چند روز و حتی چند ساعت، مسئولیت تمام کارها را به دیگران واگذار کند، آنهم به کسانی که سر رشته زیادی از کارها ندارند و در طول زمان فرصت نداشته اند خود را اثبات کنند. بهتر است قبل از رخ دادن اتفاقات، خود و اطرافیان را آماده کنید.

## واقع بین باشید

معمولاً ما از هر چه که در زندگی خود ناراضی هستیم، آن را سرزنش می کنیم. مثلاً همیشه از خانواده، رئیس، دوستان، رسانه، همکاران، مشتری ها، همسر، آب و هوا و شرایط اقتصادی گله داریم. ولی دلمان نمی خواهد بدانیم مشکلات واقعی ما با این مسائل از کجا سرچشمه می گیرد. بخش بزرگی از شکست افراد، به دلیل عادت به بهانه گرفتن و سرزنش کردن است. ما نباید تسلیم بهانه ها «excuses» شویم. اگر می خواهیم به

زندگی دلخواهی که در سر داریم برسیم، باید تمام بهانه ها، داستان های توجیهی و شکایت کردن از شرایط را برای همیشه فراموش کنیم. ما حتی راه و روش شکایت کردن را هم بلد نیستیم. وقتی سرکار هستیم از همسر و مشکلات خانه به همکار خود شکایت می کنیم و یا هنگامی که در منزل هستیم از مدیر یا همکار خود به همسرمان شکایت می کنیم. بیاید واقع بین باشیم، آیا آنها می توانند کاری برای ما انجام دهند؟ حقیقت این است که تنها یک عامل مسئول کیفیت زندگی ماست و آن خود ما هستیم. اگر می خواهید در زندگی موفق باشید اصل اول این است که ۱۰۰ درصد مسئولیت هر آنچه که در زندگی تجربه می کنید، بر عهده بگیرید. این مسئولیت شامل میزان دست آوردها، کیفیت روابط، وضعیت سلامت فیزیکی، درآمد، بدهی و هر چیز دیگری است که شما را ناراضی می کند! هر گاه شما پذیرفتید که شرایط فعلی زندگی شما از خود شما بوجود آمده، امید اینکه آنرا تصحیح کنید زیاد است ولی اگر آن را به دیگران نسبت دهید هیچ راه حلی برایتان متصور نیست. باید

باور کنیم که هر چیزی در زندگی اتفاق می افتد خود ما آن را خلق کرده ایم و خود ما دلیل همه اتفاقات هستیم. اتفاقات زندگی معمولاً با انجام دادن یا ندادن کاری بوجود می آید. اگر به فرد قوی هیكلی فحاشی کنیم، به احتمال زیاد او ما را کتک می زند و در نهایت با دست و پای شکسته راهی بیمارستان می شویم. این اتفاق با انجام دادن کاری که لازم نبوده، ایجاد شده. بعضی از اتفاقات با انجام ندادن کاری که انجام آن لازم است، پیش می آید، مثلاً با نرفتن به سرکار از کار اخراج می شویم و با بیمه نکردن اتومبیل خود، دچار خسارت غیر قابل تحمل می گردیم.

اگر واقعاً می خواهید در زندگی موفق شوید، باید سرزنش کردن و شکایت کردن را متوقف کنید و قبول کنید که موفقیت و یا شکست نتیجه اعمال، رفتار و تفکر خود شما است. همه انسان ها قدرتی دارند که با اتکا به آن قدرت می توانند به آنچه علاقه دارند برسند، اما به دلایلی مانند کمبود آگاهی، ترس و نیاز به امنیت، به این قدرت اهمیت لازم را نمی دهند.

### به جای دلخوشی به مهارت های خود، آنها را افزایش دهید.

تصور عمومی این است که هر کاری را که فردی به خوبی از پس آن بر می آید، بهتر است خودش انجام دهد. با این طرز فکر، وقت و انگیزه برای آموختن مهارت های جدید برایتان باقی نمی ماند. هر وقت احساس کردید مهارتی را به طور کامل آموخته اید، دیگر زمان آن رسیده که تمام یا بخشی از مسئولیت آن مهارت را به دیگران واگذار کنید، تا بتوانید بر سایر مهارت های خود بیفزایید. این طبیعی است که افراد در طول زمان به انجام دادن یک سری کارها عادت کنند و دوست نداشته باشند آن را به دیگران واگذار نمایند. ولی بیاد داشته باشید شما با این طرز تفکر، خود را از دریافت اطلاعات جدید و آموختن سایر مهارت ها محروم خواهید کرد.

اگر تاکنون مسئولیت ها را واگذار نکرده اید و شیوه این کار را نمی دانید بهتر است از یک متخصص سوال کنید و از او کمک بگیرید. امروزه انواع تخصص ها و اطلاعات آنلاین وجود دارد. شما می توانید با کمی هزینه و مقداری صرف وقت و مطالعه، مراحل واگذاری مسئولیت ها و اطلاعاتی که باید به کارمندان انتقال دهید را بیاموزید، تا بتوانید به خوبی توانائی مسئولیت پذیری را در همکاران خود به وجود آورید.

سه عامل ضعیف است. اگر شما تمام کاری هائی را که قبلاً انجام می دادید، همچنان ادامه بدهید، همان چیزی را به دست می آورید که قبلاً بدست آورده اید. روزی که شما مسئولیت های خود را باور کنید و آنها را تغییر بدهید، روزی است که زندگی شما شروع به تغییر خواهد کرد. یاد بگیرید به جای شکایت به خواسته هایتان فکر کنید و کاری برای رسیدن به آنها انجام دهید، این شیوه ای است که افراد موفق انجام می دهند. افکار منفی را به مثبت تبدیل کنید، رویاهایتان را تغییر دهید، عادت هایتان را ترک کنید. به عنوان مثال دوستان غلط خود را عوض کنید. سیگار کشیدن را ترک کنید، نحوه حرف زدنشان را تغییر دهید و ...

مردم همیشه از چیزی که نسبت به آن قدرتی ندارند شکایتی ندارند. اگر جاذبه زمین نبود هیچ کس زمین نمی خورد، هواپیمایی سقوط نمی کرد و طرفی نمی شکست، آیا شما تا به حال شکایتی در مورد جاذبه زمین شنیده اید؟ نشنیده اید چون کسی در مورد جاذبه زمین کاری نمی تواند انجام دهد، پس آن را می پذیرد. شکایت ها همیشه از چیزهائی است که شما می توانید آن را تغییر دهید، مثل داشتن خانه بزرگتر، شغل بهتر، درآمد بیشتر و خوردن غذای سالم تر. اما لازمه تغییر در شرایط، تغییر در خود است. لازمه تغییر هم، مصرف کردن انرژی، زمان، پول و قبول ریسک عدم موفقیت است. چون بسیاری از افراد شجاعت ریسک کردن و هزینه دادن را ندارند، به شکایت از شرایط متوسل می شوند. وقتی شما از چیزی شکایت می کنید، باید تسلیم شکایت خود بشوید. اگر به بهتر شدن زندگی، شرایط مالی، ارتباط با همسر، خرید خانه، کار بهتر اعتقاد ندارید، پس چرا شکایت می کنید و اگر اعتقاد دارید چرا سعی نمی کنید؟ اگر به سعی کردن عادت کنید کم کم متوجه می شوید که لذت زندگی در همین سعی کردن ها و نکبت زندگی در روی آوردن به سرزنش، گله و شکایت از شرایط است.

حقیقت، حقیقت است. دانستن حقیقت بهتر از ندانستن آن است، با دانستن حقیقت شما می توانید اشتباهات خود را تصحیح کنید. شما باید از خانواده، دوستان، مدیران یا مشتریانانتان بخواهید شما را نقد کنند. بدون انتقاد شما نمی توانید هیچ چیزی را تغییر دهید. سریعترین و راحت ترین راه برای فهمیدن اینکه تا کتون راه درستی را رفته اید یا نه توجه به نتیجه زندگی حال حاضر شماست. آیا یک انسان خوشحال هستید یا نه؟ آیا از زندگی خود راضی هستید یا نه؟ آیا اضافه وزن دارید یا نه؟ آیا حداقل هائی را که لازم دارید بدست آورده اید یا نه؟ آیا به چیزی اعتقاد دارید یا نه؟ توجه به نتیجه مهم است، چون نتیجه به شما دروغ نمی گوید، بهتر است برای شروع تغییرات واقع بین باشید و از حقیقت پیروی کنید. گذشته، گذشته است، اگر می خواهید در زندگی موفق باشید، از همین الان ۱۰۰ درصد مسئولیت زندگی خود را قبول کنید.

نوشته: جک کنفیلد Jack Canfield ترجمه: شهرام موبد

## تحلیل اخبار آب

**سخنران لئوناردو دی کاپریو در کنفرانس تغییرات آب و هوایی دانشگاه بیل**  
دی کاپریو بار دیگر شهرتش را در خدمت تغییرات اقلیمی جهان قرار داد و با حضور در کنفرانسی به همین منظور در دانشگاه بیل، روی صحنه به گفت‌وگو با جان کری معاون رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا نشست. در این نشست ۲۵۰۰ نفر شرکت داشتند و به سخنران دی کاپریو درباره تلاش‌هایش برای متقاعد کردن دونالد ترامپ در زمانی که به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا انتخاب شد، گوش کردند. بازیگر برنده اسکار گفت: ما به او یک طرح مقابله با تغییرات آب و هوایی ارائه کردیم که از ظرفیت اقتصادی هم برخوردار بود و می‌توانست شغل‌های سبز در کشور ایجاد کند. وی در ادامه اظهار کرد: ما به او گفتیم آمریکا از ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند بقیه جهان را به سمت کارخانه‌هایی با انرژی تمیز هدایت کند و موجب تحقیقات و گسترش در این زمینه شود. اما هیچ‌یک از تلاش‌های ما فایده‌ای نداشت و ترامپ اعلام کرد آمریکا از توافقنامه پاریس خارج خواهد شد. دی کاپریو گفت: نباید افرادی را که به چنین اموری باور ندارند در چنین منصبی قرار دهیم. این باور به علوم مدرن هست که می‌تواند ریسک وارد شدن جهان، به مراحل خطرناک را برای نسل بعدی کاهش دهد.

خبرآنلاین

**ماهنامه KWC** در سراسر دنیا، دولت مردانی که باید در حفظ محیط زیست گام بردارند انگیزه زیادی برای اینکار ندارند. چون عادت کرده‌اند با زیرپا گذاشتن منافع محیط زیست، کسب درآمد کنند و مردم را از تصمیمات خود خرسند نمایند. مثلاً با استخراج نفت شیل، می‌توانند شغل ایجاد کنند، مالیات بگیرند و بنزین ارزان در اختیار مردم قرار دهند، در حالی که این شیوه استخراج، به محیط زیست آسیب فراوانی می‌رساند. از طرفی دولت مردان چون خیلی سرشان شلوغ است، دوست ندارند برای یک پدیده اجتماعی آسیب دیده تا زمانی که به مراحل بحرانی نرسیده هزینه کنند. مثلاً در حالی که کل سیستم کشورشان به سوخت فسیلی عادت کرده، دوست ندارند برای انرژی خورشیدی هزینه کنند. سرانجام اینکه چون دوران حکومتشان کوتاه است، علاقه ندارند در اموری که در پربودهای طولانی به نتیجه می‌رسد سرمایه گذاری کنند، چون مجبور می‌شوند از بودجه امروز خود بر دارند و خرج آیندگان کنند.



رهبران جهان در حال مذاکره در مورد گرمایش زمین

### آمارهای بارش همه حقایق را نمی‌گویند

بر اساس آخرین اطلاعات ایستگاه‌های باران‌سنجی شرکت مدیریت منابع آب ایران، در اتمام سال آبی ۹۶-۹۵ (اول مهرماه سال ۹۵ تا پایان شهریورماه سال ۹۶) ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور بالغ بر ۲۳۰ میلی‌متر بوده است. این مقدار بارندگی نسبت به میانگین دوره‌های مشابه دراز مدت (۲۳۸ میلی‌متر) ۳ درصد کاهش و نسبت به دوره مشابه سال آبی گذشته (۲۴۱ میلی‌متر) ۵ درصد کاهش نشان می‌دهد. این آمار نشان دهنده وضعیت واقعی آب کشور نیست و در حوضه‌هایی که دچار کم آبی هستند، کمبود ریزش باران بیشتر از این ارقام است. بر اساس این گزارش، حوضه آبریز خلیج فارس و دریای عمان با ۳۷۰ میلی‌متر و حوضه آبریز مرزی شرق کشور با ۶۲ میلی‌متر به ترتیب، بیشترین و کمترین بارش‌های سال گذشته را داشته‌اند. داوود رضا عرب، عضو هیأت علمی دانشکده فنی دانشگاه تهران، با انتقاد از آرایه آمار به شکل میانگین گیری در کل کشور اظهار کرد: با اینکه در این گزارش از منطق میانگین استفاده شده، ولی باید گفت گزارش‌هایی دقیق و کارآمد نیستند، چون میزان بارش در نواحی مختلف ایران یکنواخت نیست. مثلاً در حوضه دریاچه ارومیه امسال با کاهش ۳۶ درصدی روبرو هستیم. با میانگین گرفتن از این دو آمار، آیا نتیجه درستی به ما ارائه می‌شود؟ به طور حتم پاسخ منفی خواهد بود. از طرفی بحث خشکسالی و ترسالی باید با توجه به اقلیم هر منطقه بررسی شود، مثلاً کاهش میزان بارش گیلان از ۴۰۰ به ۳۸۰ میلی‌متر یعنی خشکسالی و افزایش بارش یزد از ۱۰۰ به ۱۲۰ میلی‌متر نشان از ترسالی در منطقه فوق دارد، در صورتی که قدر مطلق بارش یزد به مراتب کمتر از گیلان است. وی اشاره کرد: با اینکه سال گذشته شاهد بارش‌های پراکنده‌ای در سطح کشور بودیم ولی حجم کم بارش در هر نوبت و تبخیر بالای روان آب‌ها، سفره‌های زیرزمینی را بی‌بهره گذاشت و فقط باعث تلطیف هوا شد. هرچند این نوع بارندگی‌ها تأثیری بر وضعیت ذخایر آب‌های زیرزمینی ندارد ولی در محاسبه میانگین بارش در نظر گرفته می‌شوند. وی اضافه کرد: معمولاً بارش‌های شش ماه اول سال کمکی به بخش کشاورزی نمی‌کنند چراکه اسیر تبخیر می‌شوند، بنابراین آمار بارش نشان دهنده وضعیت واقعی کشور نبوده و در حوضه‌های اصلی، کمبود ریزش آب بیشتر از این ارقام است.

باشگاه خبرنگاران جوان

**ماهنامه KWC** جمع آوری و تحلیل آمار کار بسیار تخصصی و پیچیده‌ای است. به عنوان مثال در سال گذشته آمارها و تبلیغات، خبر از احیای دریاچه ارومیه می‌دادند ولی با پایان سال آبی و رسیدن کم آبی به اوج خود، معلوم شد ارتفاع دریاچه ۲۰ سانتی متر دیگر عقب نشینی کرده است.



پاول دورف

می‌دانند و طرز لباس پوشیدن و علاقه زیادش به فیلم ماتریکس همیشه سوژه خبرنگاران است. او دستی هم در عکاسی دارد. پاول در ۲۷ سالگی یک میلیون دلار به بنیاد ویکی‌پدیا کمک کرد.

چندی پیش پاول دورف راز موفقیت خود را برای جوانان بازگو کرد. او می‌گوید: «من یک گیاهخوارم و سال‌هاست که هفت عامل مسموم کننده راز زندگی خود کنار گذاشته‌ام. من خوردن گوشت قرمز، الکل، انواع محصولات دارویی، نیکوتین و تمامی اشکال مواد مخدر، قهوه، چای سیاه و سبز و هر نوع نوشابه انرژی‌زا، فست فود شکر و نوشیدنی‌های گازدار، تلویزیون و برنامه‌های وابسته به آن را در زندگی‌ام کنار گذاشته‌ام. من متوجه شده‌ام که این موارد بهره‌وری و تفکر شفاف را کاهش می‌دهد و اطمینان دارم که بدون آنها زندگی طولانی‌تر و بهتر خواهد شد و احساس سلامت و شادابی بیشتری خواهیم کرد. البته به افرادی که مشکلات جسمانی دارند، پیشنهاد نمی‌کنم که مصرف دارو را متوقف نمایند. فکر می‌کنم این روش به شما هم کمک کند که احساس سلامت و جوانی کنید. البته اگر شما جوان و سالم هستید و در زندگیتان اهمیت لذت بردن، نسبت به بهبود بهره‌وری اولویت دارد، می‌توانید به منظور شادی بیشتر، برخی از این موارد ۷ گانه یا شاید تمام آنها را استفاده کنید. ولی اگر به دنبال سلامت و شادابی و موفقیت هستید، در این صورت چشم‌پوشی از هفت مورد بالا به نفع‌تان خواهد بود. گاهی اوقات جوانان نیاز به زندگی سالم را احساس می‌کنند، اما تحت فشار جامعه هستند، چون دوستانشان به آن‌ها می‌گویند، این شکل زندگی غیر ممکن است و رفتار آن‌ها به عنوان بی‌احترامی برای دیگران و انزوا طلبی در نظر گرفته می‌شود. به نظر من هر غیرممکنی، ممکن است. اگر شما فکری کنید کارتان درست است، رفتارهای محیط اطراف خود را نادیده بگیرید. جامعه‌ای که سنت‌هایش را بر پایه مسمومیت خود ساخته باشد، هیچ آینده‌ای نخواهد داشت. در واقع ما می‌توانیم زندگی و دنیای جدید خودمان را بر پایه توسعه، کار سخت و ارزش‌های والای خلقت بنا کنیم.»



**KWC**

## سیرکسپرنه‌خانه آوا ava

سردبیر: شهریار بدیعی  
گرافیک: احمد غلامی  
عکس: ابوالقاسم اترافی  
لیتوگرافی و چاپ: آرتا

تهیه شده در مشار ایران ۸۸۸۲۲۸۶۰  
moshariran@yahoo.com

استفاده از مطالب ماهنامه بدون ذکر ماخذ، بلامانع است

شمارگان کاغذی: ۴۵۰۰ نسخه شمارگان الکترونیک: ۴۴۰۰ ایمیل و فیسبوک

## همیشه شاداب و سر حال

در ۱۸ مهر ماه امسال، «پاول دورف» (Pavel Durov) موسس و مدیر عامل تلگرام وارد سی و سومین سال عمر خود شد. او در اکتبر سال ۱۹۸۴ در سن پترزبورگ روسیه به دنیا آمد، پدرش دکتر والرئ دورف، استاد لغت‌شناس بود که برای یک فرصت مطالعاتی دانشگاهی، مدتی به ایتالیا فرستاده شد. به همین دلیل پاول بیشتر دوران کودکی خود را در شهر زیبای تورین در ایتالیا سپری کرد و در همان‌جا به یک مدرسه ایتالیایی فرستاده شد. پس از بازگشت به روسیه، وی در سن هفده سالگی، تحصیلات خود را در دانشگاه سن پترزبورگ و در رشته لغت‌شناسی که رشته پدرش بود آغاز کرد و در سال ۲۰۰۵ با عنوان شاگرد اول، فارغ‌التحصیل شد. در سال ۲۰۰۶ وارد کار و کسب شد و در حالی که فقط ۲۲ سال داشت، به همراه برادرش نیکلای شبکه اجتماعی VKontakte را پایه‌گذاری کرد، که به‌صورت مخفف به نام VK شناخته شد. او و برادرش وقتی VK راه‌اندازی می‌کردند هرگز به فکرشان نمی‌رسید که روزی مالک بزرگ‌ترین شبکه اجتماعی اروپا شوند. ولی این شبکه اجتماعی به زودی بزرگترین شبکه روس زبان شد و ارزش آن به ۳ میلیارد دلار رسید. محبوبیت این شبکه در روسیه به جایی رسید که VK را فیسبوک و پاول دورف را مارک زاکربرگ روسیه لقب دادند.

کشور روسیه همیشه شعار می‌دهد که جوانان آن کشور باید در جدیدترین علوم جهان فعالیت کنند و سرآمد بشوند. ولی در عمل وقتی کسی در کاری موفق می‌شود، با عناوین مختلف سنگ اندازی‌ها آغاز می‌شود. این دو برادر نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی به دلیل فشارهایی که بر رویشان بود ترجیح دادند از شرکت VK خارج شوند و برای اینکه بیکار نباشند، تصمیم گرفتند یک اپ (APP) پیام‌رسانی را با شعار «سریع‌تر و ایمن‌تر» و با نام تلگرام راه‌اندازی کنند. برنامه تلگرام چون به صورت متن‌باز است، تمام سیستم‌های عامل را پشتیبانی می‌کند و به راحتی قابل دسترسی و نصب و از امنیت بالایی برخوردار است، به سرعت مورد استقبال قرار گرفت و تعداد کاربران فعالش به ۱۰۰ میلیون نفر رسید که رقم چشمگیری است و هنوز هم در حال رشد است. (از تعداد کاربران ایرانی تلگرام آمار دقیقی در دست نیست اما اخبار غیر رسمی عدد ۱۳ میلیون را اعلام می‌کند).

پاول از ابتدا به برنامه تلگرام فقط از منظر یک کسب و کار نگاه نمی‌کرد. او به تازگی یک میلیون دلار دیگر از سرمایه شخصی‌اش را برای ادامه کار تلگرام هزینه کرد. اخیراً زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد که ساندار پِیچای، مدیر عامل گوگل، با پاول دورف مشغول مذاکره برای معامله تلگرام هستند و ظاهراً یک پیشنهاد ۱ میلیارد دلاری نیز برای خرید مطرح شده.

پاول دورف در سال ۲۰۱۴ به عنوان مستعدترین رهبر زیر ۳۰ سال اروپا شناخته شد. او همیشه بسیار شاداب و سر حال به نظر می‌رسد. شخصیت و صحبت‌های جنجالی پاول اغلب مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. مطبوعات اروپا او را یک فعال سیاسی و آزادی‌خواه

## دروغ‌های بزرگ، دروغ‌های کوچک

مدتی است یک مطالعه میدانی در مورد سنجش میزان صداقت جامعه، توسط پرفسور دن آریلی (Dan Ariely) و همکارش خانم یائل ملامید (Yael Melamed) در دست انجام است. در بخشی از این پروژه، آزمونی انجام می‌شود و به شرکت‌کنندگان ۲۰ سؤال ساده می‌دهند تا حل کنند. تمام سؤال‌ها آسان و قابل حل هستند، اما زمانی که برای آزمون در نظر گرفته شده، کافی نیست. افراد برای هر سؤال که اعلام کنند به درستی جواب داده‌اند، یک دلار دریافت می‌کنند. از گروه خواسته می‌شود پس از اتمام زمان، تعداد سؤال‌هایی را که توانسته‌اند صحیح پاسخ دهند، خودشان بشمارند و برگه سؤال‌ها را به کاغذ خردکن بسپارند. به این شکل همه تحریک می‌شوند در تعداد پاسخ‌ها تقلب کنند و با خرد شدن کاغذ‌ها، راستی آزمائی از ادعای افراد قابل بررسی به نظر نمی‌رسد. نکته این‌جاست که کاغذ خردکن به شکلی تنظیم شده که فقط بخش‌های حاشیه‌ای پاسخ‌نامه را خرد می‌کند و عملاً اصل پاسخ‌نامه‌ها سالم می‌ماند.

نتایج این آزمایش که با حضور بیش از ۴۰ هزار نفر برگزار شد، به این شکل است:

۷۰ درصد از افرادی که مورد آزمون قرار گرفتند در ابراز تعداد پاسخ‌های صحیح، تقلب کردند. به طور متوسط این گروه توانستند فقط ۴ مسئله را حل کنند، اما تعداد ادعاها ۶ مورد بود. یعنی افراد مورد آزمون به طور متوسط، ۵۰ درصد بیش از آنچه استحقاق داشتند، پول دریافت کردند. در میان این ۴۰ هزار نفر، فقط ۲۰ متقلب بزرگ وجود داشتند که ادعا کردند همه ۲۰ سؤال را حل کرده‌اند. کل هزینه اضافی که این افراد به بودجه تحقیق تحمیل کردند، ۳۲۰ دلار بود. در مقابل بیش از ۲۸ هزار متقلب کوچک در آزمون حضور داشت، که مجموع اضافی دریافتی آن‌ها، در حدود ۵۰ هزار دلار بود.

همیشه در جوامع تعدادی متقلب بزرگ حضور دارند. ولی از این آزمون می‌توان نتیجه گرفت، هزینه متقلب‌های کوچک برای جامعه، به مراتب بیشتر از متقلب‌های بزرگ است. در همین آزمایش، متقلبین کوچک بیشتر از ۱۵۰ برابر، به بودجه آزمایش خسارت زدند. از این آزمایش می‌توان نتیجه گرفت، اصلاح رفتار عمومی اجتماعات، یک ضرورت قابل درک و مهم است و نباید خسارت اجتماعی دروغ‌های کوچک را، دست کم گرفت چون تعدادشان به مراتب بیشتر از دروغ‌های بزرگ است.



پرفسور دن آریلی